



ملاک‌های تحقق حرز و هتک آن در مذاهب خمس و حقوق کیفری ایران

سهیلا بایوردی^۱
محمود قیومزاده^{۲*}
عباسعلی حیدری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲

چکیده

یکی از شرایط سرقت مستوجب حد این است که مال مسروق در حرز قرار گرفته باشد. حرز عبارت است از مکان متناسبی که مال عرفا در آن از دستبرد محفوظ می ماند. بنابراین حرز اموال با توجه به زمان و مکان تغییر می کند و ملاک تشخیص آن، عرف است. هتک حرز و اخراج مال از حرز از دیگر شرایط سرقت حدی می باشد که هتک حرز علاوه بر هتک مادی، هتک معنوی را شامل می شود. ملاک‌های عرف و نیز قابلیت نگاهداری مال در تحقق حرز مطرح هستند. هتک حرز نیز با ملاک‌های عرفی محقق است. پیدایش دنیای مجازی نیز در باز تعریف حرز و هتک آن مؤثر است. مذاهب خمس عمده‌تاً درباره ملاک‌های تحقق حرز و هتک آن اتفاق نظر دارند. در حقوق کیفری ایران اما ملاک عرفی بودن پذیرفته شده است. این پژوهش دریافته است که به طور کلی ملاک‌های تحقق حرز و نیز هتک آن در فقه اسلامی و نیز حقوق کیفری ایران یکسان است و بر عرفی بودن استواری دارد اگرچه در فقه اسلامی اختلافات بسیاری در زمینه تعیین مصادیق حرز به چشم می خورد.

واژگان کلیدی: حرز، هتک حرز، فقه اسلامی، سرقت، حقوق کیفری.

^۱ گروه الهیات، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. soheylaa1390@gmail.com

^۲ گروه الهیات، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول): maarefteacher@yahoo.com

^۳ گروه الهیات، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. dr.a.a.heydari@gmail.com

مقدمه

در آموزه‌های علوم جنایی جرایم به دسته‌های طبیعی و مصنوعی یا انسان‌ساخته تقسیم می‌شوند. جرایم دسته دوم با گذشت زمان و به دنبال پیشرفت‌های گوناگون جوامع پدید می‌آیند. اما جرایم طبیعی در مقابل در همه ادوار زندگی انسان وجود داشته و همه نظام‌های کیفری و آیینی نیز به محکوم نمودن و پیش‌بینی ضمانت‌اجرا برای مرتکبان آن اقدام کرده‌اند. جرایم علیه اموال و مالکیت و به ویژه سرقت در آموزه‌های فقهی و نیز حقوق کیفری عرفی بازتاب یافته‌اند. به عبارت دیگر، سیاست کیفری اسلامی اهتمام ویژه‌ای به پاسداری از حق بر مالکیت داشته و بسیاری از رفتارهای ناقض این حق را با ضمانت‌اجراهای کیفری خود همراه ساخته است. چرا که سرقت بخش بزرگی از جرایم را در همه ادوار تاریخ به خود اختصاص داده است. (کلانتری درونکلا و کلانتری، ۱۳۹۰: ۱۰۰) رویکردی که نظام عدالت کیفری ایران نیز از جمله در راستای آموزه یادشده در اصل چهارم قانون اساسی بدان پرداخته است. یکی از مفاهیم مهمی که در پیوند با جرم سرقت مطرح است، حرز نام دارد. در واقع، از آنجا که سرقت در نظام کیفری ایران و نیز فقه امامیه به دو دسته کلی سرقت حدی و نیز تعزیری تقسیم می‌شود، باید توجه داشت که یکی از شرایط لازم برای حدی تلقی شدن آن، ارتکاب سرقت از یک حرز است. بنابراین مفهوم حرز جایگاهی مهم را در مطالعه سرقت داشته است. چرا که تحدید دقیق آن می‌تواند در سرنوشت پرونده کیفری بسیار اثرگذار باشد. با وجود آن که مفهوم‌شناسی حرز در نگاه اول بسیار ساده به نظر می‌رسد، اما باید دانست که در مذاهب گوناگون اسلامی نظریات متفاوتی در این باره بیان شده است. به گونه‌ای که تفاوت در برداشت‌ها پیرامون این دانش-واژه سبب شده است تا در مواردی در تحقق سرقت حدی یا تعزیری تشکیک شود. افزون بر این، پیشرفت‌های شتابان انسان در پیدایش و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی ارتباطی سبب شده است تا اختلافات بسیاری میان حقوقدانان کیفری، فقها و نیز دادرسان درباره موضوع حرز پدید آید. در این صورت باید افزون بر حرزهای متعارف یا فیزیکی از حرزهای مجازی نیز سخن گفت و تا هنگام اصلاح مقررات کنونی، معیارهای مناسب و کارآمدی را در این باره جستجو کرد. با توجه به اهمیت پیاده‌سازی پاسخ‌های کیفری در برابر جرم سرقت و تفاوت‌های موجود پیرامون چگونگی سزادهی بر حسب حدی یا تعزیری بودن، لازم است که بایسته‌های گوناگون سرقت حدی و از جمله حرز به خوبی احراز شوند. چرا که در غیر این صورت لازم است نوع سرقت به تعزیری اعم از سرقت‌های ساده یا مشدد تغییر یابد. بدین ترتیب این نوشتار که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع دسته اول پژوهشی در پرتو رهیافت پژوهش‌های میان-رشته‌ای نگاشته شده،

درصد است تا مهم‌ترین ملاک‌های تحقق مفاهیم حرز و هتک حرز را در فقه اسلامی و نیز حقوق کیفری ایران بررسی کند. بدین ترتیب این پژوهش بدین پرسش پاسخ می‌دهد که ملاک‌های تحقق حرز و نیز هتک حرز در قلمرو مذاهب خمس و نیز حقوق کیفری ایران چیست؟ پاسخ بدین پرسش می‌تواند مهم‌ترین پیامدهای شناسایی مفاهیم پیش‌گفته را برای نمونه در نظام کیفری کشورمان به خوبی نشان دهد. برای دستیابی به این هدف، در آغاز هر یک از مفاهیم حرز و هتک حرز در چارچوب دو گفتار مطالعه و مفهوم‌شناسی و نیز ملاک‌های موجود برای تحقق آنها بررسی می‌شود. در دو گفتار آتی نیز رویکردهای فقه اسلامی و نیز حقوق کیفری ایران درباره این مفاهیم واکاوی می‌شود.

۱- حرز

مطالعه مفهوم حرز در دکترین فقه اسلامی و حقوق کیفری از این‌رو دارای اهمیت است که سرنوشت تعزیری و یا حدی بودن سرقت ارتكابی و در نتیجه کیفیت مجازات علیه مرتکب روشن می‌شود. از همین‌رو در آغاز لازم است که مفهوم حرز به خوبی مطالعه شود. بنابراین مفهوم‌شناسی و نیز ملاک‌های تحقق حرز در ادامه بیان می‌شوند.

۱-۱ مفهوم‌شناسی

هر یک از دانش-واژگان از دو مفهوم لغوی و نیز اصطلاحی پدید می‌آیند. بنابراین برای مفهوم‌شناسی حرز نیز هر یک از مفاهیم لغوی و اصطلاحی آن در ادامه از نظر گذرانده می‌شوند. واژه حرز به دلیل کاربردهای آن در زبان پارسی در برخی از فرهنگ‌های پارسی بازتاب یافته است. برای نمونه، این واژه به صورت جای محکم و استوار، پناهگاه یا جایی که چیزی را در آن محافظت می‌کنند، معنی شده است. (عمید، ۷۸۷: ۱۳۶۴). حرز در مفهوم اصطلاحی خود در قلمرو تبیین محدوده مفهومی و نیز عملیاتی سرقت حدی مطرح می‌شود. در واقع، حرز به عنوان مکانی برای نگاهداری مال خوانده شده است که در آن از گزند مخاطرات گوناگون همانند تضییع و به ویژه دستبرد در امان می‌ماند. بر این پایه، عقلا هر مال باید در مکان مشخصی از گزند آسیب‌های گوناگون همانند تضییع، سرقت و.. در امان بماند. بنابراین آنچه در مفهوم اصطلاحی حرز اهمیت دارد از یک سو مکانی است که در آنجا مالی نگاه داشته می‌شود و ز سوی دیگر این نگاهداری باید متناسب با آن مال بوده و به نگاهداری از مال در برابر مخاطرات گوناگون بیانجامد که تفصیل آن پس از این خواهد آمد (ولوی، ۱۳۹۷).

با توجه به تأکید بر مؤلفه مکان در تعریف حرز، تردیدی وجود ندارد که بر خلاف نظر برخی از اندیشوران، مفهوم حرز چشمی خالی از مفهوم است و نمی‌توان آن را حرز در معنای واقعی کلمه دانست (ایزدی‌فرد و حسین‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۸۰). چرا که در این حالت مکانی برای پاسداشت مال در برابر مخاطرات گوناگون وجود ندارد. بلکه تنها مالک با نگاه خود از آن مراقبت می‌کند. البته باید اشاره شود که برخی از فقها همانند ابن جنید، شیخ سوسی، ابن براج، فاضل مقداد و... حرز چشمی و یا حرز با نظارت مالک را پذیرفته و هاتک حرز را در صورت وجود شرایط دیگر مستحق تحمل مجازات سرقه حدی می‌دانند.

۲-۱ ملاک‌ها

با مطالعه دکتربین فقه اسلامی و نیز حقوق کیفری عرفی روشن می‌شود که تاکنون ملاک‌های گوناگونی برای مفهوم حرز و حتی هتک آن بیان شده است. بنابراین لازم است تا ملاک‌های پیش‌گفته نیز به طور فشرده بررسی شوند. از این دیدگاه می‌توان به ملاک‌های عرف و نیز قابلیت نگاهداری اموال جهت صدق عنوان حرز اشاره کرد که البته گاه نیز بر همدیگر منطبق هستند. بر پایه این مراتب در ادامه به تشریح ملاک‌های یادشده از حرز در فقه کیفری و دکتربین حقوق کیفری پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱ عرف

برخی از فقها و حقوقدانان کیفری از دیرباز برای تعیین حرز، ملاک عرف را در نظر داشته‌اند. در واقع، با وجود اختلاف نظرهای پیش‌آمده درباره مصادیق حرز و نیز هتک آن، لزوم توجه به معیار عرف برای تعیین این دو همواره مورد توجه بوده است. در این باره باید خاطر نشان شود که عرف یکی از منابع فرعی حقوق کیفری است و بنابراین گاه در تعیین مصادیق نهادهای کیفری اهمیت بسیاری می‌یابد. بنابراین مفهوم حرز نیز در زمان و مکان متفاوت بوده و به عرف عام و یا خاص بستگی دارد. به عبارت دیگر، در نظام حقوق کیفری ایران غالباً اعتبار عرف به عنوان یکی از منابع ارشادی مورد توجه قرار می‌گیرد. صرف نظر از اینکه با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، عرف فقط در تصویب قوانین کیفری می‌تواند الهام‌بخش قانونگذار باشد و نمی‌تواند به طور مستقل به جرم‌انگاری رفتارها بپردازد، پس از پذیرش نظام قانون مدون در ایران، عرف در شناخت مفاهیم قانونی و استنباط قواعد حقوق کیفری از نصوص اهمیت یافت. از آنجا که پیش فرض قانونگذار این است که با زبان عرفی قانون تدوین می‌کند، عرف نقش مهمی در این باب

یافته است. (برهانی و پارسایان، ۱۳۹۲:۱۴۷) بدین ترتیب برای تعیین مصادیق مفهومی مهمی همانند حرز که می‌تواند در راه تعیین حدی یا تعزیری بودن سرقت اثرگذار باشد، باید به این منبع فرعی حقوق کیفری استناد کرد. همچنان که در فقه کیفری نیز چنین رویکردی دیده می‌شود. و همان‌گونه که در ادامه نیز گفته خواهد شد، برخی از فقها برای تعیین حرز، به عرف استناد کرده‌اند.

۲-۲-۱ قابلیت نگاهداری

افزون بر معیار عرف، معیار دیگری نیز برای تشخیص حرز بیان شده که وجود قابلیت نگاهداری است. در بیشتر موارد، معاینه عرف و قابلیت نگاهداری بر یکدیگر منطبق هستند. با این وجود در موارد خاصی ممکن است با وجود دلالت عرف بر حرز بودن مکان خاصی برای اموال، آن مکان قابلیت لازم را برای نگاهداری از مالی نداشته باشد و بدین ترتیب در تعیین حرز و یا هتک آن اختلاف نظرانی پدید آید (وزیری، ۱۳۹۶). در این راستا برخی از حقوقدانان کیفری و فقها بر این باورند که اگر عرف مکانی را به عنوان حرز برای مالی بشناسد، حتی اگر آن مکان دارای قابلیت نگاهداری کافی نسبت به مال یادشده نباشد باز هم مفهوم حرز محقق است.

۲- هتک حرز

پس از مطالعه مفهوم حرز، اینک لازم است تا هتک آن نیز به طور کامل بررسی شود. به ویژه با فراگیری امکانات دنیای مجازی و ضرورت اندیشه‌پردازی پیرامون هتک حرز مجازی، این مطالعه بسیار سودمند به نظر می‌رسد. از همین‌رو در ادامه مفهوم‌شناسی و نیز ملاک‌های تحقق هتک حرز به گونه‌ای فشرده مطالعه می‌شوند.

۲-۱ مفهوم‌شناسی

افزون بر حرز هتک آن نیز باید از چشم‌انداز مفاهیم لغوی و نیز فنی مطالعه شود. چرا که در بسیاری از موارد، اختلاف در وصف تعزیری و یا حدی بودن حرز، ناشی از اختلاف در رخداد و یا عدم وقوع مفهوم هتک حرز است. بنابراین در ادامه، مفاهیم لغوی و اصطلاحی و نیز ملاک‌های تحقق هتک حرز از نظر گذرانده می‌شوند. هتک در لغت به مفهوم شکستن، پرده‌داری، رسواسازی، بی‌حرمتی و... آمده است (صادقی، ۱۳۹۳). بنابراین هتک حرز از دیدگاه لغوی به مفهوم بی‌حرمتی به مکان نگاهداری از مال است.

۲-۲ مفهوم اصطلاحی

هتک حرز به زبان ساده و در چشم‌انداز مفهوم اصطلاحی خود به مفهوم شکستن حرمت حرز است که ممکن است مادی یا معنوی باشد. (شکری، ۱۳۹۵: ۶۵۵) بدین ترتیب دانش-واژه هتک حرز ناظر به از کار انداختن حرز است. در واقع، حرز به عنوان محل نگاهداری از مال شناخته می‌شود. اما هتک حرز از یک سو ناظر به تسلط بر مکان نگاهداری از مال است. خواه هتک وارد آن شود یا نه و از سوی دیگر نیز این تسلط هتک بر حرز موردنظر، می‌تواند به ربایش مال شود. به گونه‌ای که هتک آن را اخذ کرده و سپس از حرز خارج می‌نماید. نکته مهمی که باید در زمینه هتک حرز خاطر نشان شود این است که برای تحقق سرقت حدی لازم است که هتک حرز و سارق یکی باشند. بنابراین اگر سارق مال، در هتک حرز مربوطه صرفاً معاونت کرده و در واقع فرد دیگری اقدام به هتک آن کرده باشد، در این صورت نمی‌توان از هتک حرز محقق‌کننده سرقت حدی نام برد. همان‌گونه که در مبحث آتی نیز بیان می‌شود، هتک حرز از راه‌های گوناگونی انجام می‌شود و هرگز نمی‌توان تحقق آن را به یک یا چند نمونه محدود و منحصر کرد. برای نمونه، استفاده از فناوری‌های گوناگون در زمینه هتک حرز امری پذیرفتنی است و در صورت اجتماع آن با دیگر شروط مقرر نباید در تحقق سرقت حدی تردید کرد. نکته دیگری نیز که پیرامون مفهوم هتک حرز وجود دارد این است که به طور کلی هم در فقه کیفری، هم در دکترین حقوق کیفری و هم در قانون مجازات اسلامی و قوانین پیشین، به جای کوشش در تشریح این مفهوم و بیان ملاک‌های آن، تنها به به تبیین نمونه‌هایی در این باره بسنده شده است. از همین رو نیز تبیین دقیق هتک حرز یکی از مهم‌ترین ضروریات در قلمرو حقوق کیفری اختصاصی است.

۲-۳ نمونه‌های هتک حرز

برای هتک حرز در فقه و حقوق کیفری نمونه‌هایی بیان شده است. بررسی این نمونه‌ها و مقایسه آنها با یکدیگر می‌تواند مفهوم دقیق‌تری از هتک حرز را نشان دهد. در این باره باید یادآور شود که به طور کلی در فقه اسلامی کوشش شده است تا از راه بیان نمونه‌های گوناگون برای حرز و یا هتک حرز مفاهیم آنها مشخص شود. بدین ترتیب همان‌گونه که پس از این نیز گفته خواهد شد، پراکندگی آرا و دیدگاه‌های فقها در زمینه مصادیق و یا ملاک‌های تحقق حرز دیده می‌شود. بر پایه این مراتب، در ادامه به بیان و تشریح برخی از نمونه‌های تحقق مفهوم هتک حرز بر پایه آموزه‌های فقهی و نیز حقوق کیفری عرفی پرداخته می‌شود.

۱-۳-۲ ورود سارق به حرز

بدیهی‌ترین گونه برای تحقق مفهوم هتک حرز را باید ورود سارق بدان دانست. بیا توجه به این که حرز بنا به تعریف مکانی است که مال در آن نگاهداری می‌شود، انتظار می‌رود که سارق با ورود خود بدان مکان به سرقت اموال موردنظر مبادرت نموده باشد. البته لزومی ندارد که وی به طور کامل و با تمام اجزای بدن خود به آن مکان وارد شده باشد. بلکه حتی اگر در بیرون از حرز ایستاده و دست خود را در حرز نموده، مال را تسلیم و آن را به خارج از حرز انتقال داده باشد نیز مفهوم هتک حرز تحقق یافته است. در این حالت لازم است که پس از ورود، هتک حرز خود به خارج نمودن مال از آن حرز مبادرت ورزد. در غیر این صورت صرفاً سرقت تعزیری مورد حکم واقع شود. افزون بر این، در صورت ورود وی به حرز و ناکامی در خارج نمودن مال از آن، بسته به شرایط ممکن است وی به ارتکاب جرم ورود غیرمجاز محکوم شود. چندان که محکومیت به شروع به ارتکاب سرقت نیز پس از ورود به حرز و سلطه بر مال و سپس ناکامی غیرارادی او در خارج کردن آن از حرز وجود دارد. طبیعتاً در این باره باید به قواعد عمومی ناظر بر نهاد کیفری شروع به جرم توجه شود که تشریح آن از حوصله این نوشتار خارج است. مطالب پیش‌گفته ناظر بر ورود به حرز در دنیای حقیقی است. اما با گسترش دنیای مجازی نیز حرز رایانه‌ای اهمیت یافته است که پیشتر به تشریح آن پرداخته شد. در اینجا لازم است خاطر نشان شود که همانند دنیای حقیقی، ورود سارق داده به حریم خصوصی مجازی کاربر، تسلط بر داده‌های مجازی مالکانه او و خارج کردن آنها نیز همانند دنیای حقیقی به تحقق مفهوم هتک حرز از گونه ورود در دنیای مجازی می‌انجامد (آقایی‌نیا و چلبی، ۱۳۸۸: ۶۰). بدیهی است که در این حالت، استفاده یا عدم استفاده از فیلترشکن نیز تأثیری در تحقق یا عدم تحقق موضوع ورود به حرز مجازی و در نتیجه تحقق مفهوم هتک حرز مجازی ندارد، مشروط بر این که قلمرو مجازی کاربر که داده‌های دارای ارزش مالی وی در آن نگاهداری می‌شوند، کاملاً مشروع باشد. همچنین باید توجه شود که در اینجا همانند دنیای حقیقی، خود فرد واردشده باید اقدام به ربودن مال کرده باشد. زیرا ربودن محور عنصر مادی سرقت در حقوق ایران است. اگرچه مقنن تعریفی از آن را ارائه نکرده است.

۲-۳-۲ تخریب حرز

ملاک دیگر برای تحقق هتک حرز نیز تخریب آن است. گاه سارق برای ورود به حرز ناگزیر است موانع گرداگرد آن را تخریب نماید تا با ورود به حرز و یا حتی بدون آن، مال موردنظر را

برداشته و آن را به خارج از حرز منتقل نماید. در این صورت نیز می‌توان گفت که هتک حرز محقق شده است. در ماده ۲۷۱ ق.م.ا نیز در هنگام بیان مصادیق گوناگون هتک حرز از تخریب آن سخن به میان آمده است. در اینجا باید خاطر نشان شود تردیدی وجود ندارد که در صوتی که تخریب حرز به هر ترتیب سبب تخریب مال مدنظر شود، حتی در صورتی که هتک حرز بتواند بقایای آن را از حرز تخریب شده خارج کند، سرقت حدی محقق نمی‌شود. بنابراین تخریب حرز هنگامی به عنوان یکی از مصادیق هتک حرز و به بیان ق.م.ا نقض حرز شناخته می‌شود که خود به تخریب مال نینجامد. البته در این صورت نیز امکان محکومیت هتک حرز به ارتکاب جرم تخریب کیفری وجود دارد.

۳-۳-۲ انتقال حرز

گاه حرز در شمار اموال منقول جای دارد. بنابراین سارق می‌تواند با انتقال آن بر مال سلطه یابد و یا دست کم زمینه این سلطه برای او فراهم شود. در این صورت باید از هتک حرز با استفاده از انتقال آن سخن گفت. در این موارد دادرسی کیفری با توجه به امارات و قراین موجود می‌تواند هتک حرز را احراز نموده و مرتکب را به پیامدهای آن و از جمله ارتکاب سرقت حدی محکوم کند. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که با توجه به جدایی فیزیکی حرز از مال در آن باید قایل به ارتکاب دو سرقت بود یا آن که محکوم نمودن سارق به ارتکاب تنها یک فقره سرقت با عدالت متناسب است؟

۴-۳-۲ هتک حرز با استفاده از فناوری

پیشرفت‌های گوناگون در صنعت و فناوری افزون بر پیامدهای سازنده خود به پیدایش راهبردهای نوینی برای بزه‌کاران انجامیده است. در این راستا لازم است به هتک حرز با استفاده از فناوری‌های نوین نیز اشاره شود. در این گونه از هتک حرز، هتک با استفاده از فناوری‌های رایانه‌ای بر مال مسروقه مسلط شده و آن را از حرز خارج می‌کند. بر پایه اصول حقوق کیفری و فقه جزایی تردیدی در انتساب عمل خروج مال و صدق عمل هتک حرز بر وی باقی نمی‌ماند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که در هتک حرز مباشرت فیزیکی سارق ضرورت ندارد. بلکه می‌تواند این عمل را با استفاد از فناوری‌های گوناگون نیز انجام دهد. امروزه با توجه به روند روبه‌رشد فعالیت‌های الکترونیکی و فزاینده رفتن مفهوم مال از عین خارجی، پرداختن به مصادیق نوین حرز ضروری به نظر می‌رسد. حساب‌های بانکی، کارت‌های اعتباری بانکی، کارت‌های هوشمند

الکترونیکی، رمزهای اینترنتی، توکن امضاهای الکترونیکی، ایمیل‌ها، اطلاعات شخصی، نام کاربری، برنامه‌های شخصی و پی‌دی‌اف مقالات همگی از مصادیق نوین حرز به شمار می‌آیند. (ولوی و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۱) بنابراین لازم است که این حرزهای نوین از چشم‌اندازهای فقهی و نیز حقوقی در کانون توجه نویسندگان قرار گیرند تا بتوان به اهداف شارع مقدس و نیز قانونگذار کیفری از جرم‌انگاری سرقت حدی دست یافت. در این باره باید خاطر نشان شود که عدم اشاره به سرقت و کلاهبرداری اینترنتی در حقوق اسلام، مجوزی برای عدم جرم‌انگاری این جرایم در قوانین امروزی نیست. به همین دلیل قانونگذار با استناد به مبانی حقوق اسلامی که تقلب و فریب و ارتکاب جرم برای دستیابی به ثروت از طریق روش‌های غیرقانونی را ممنوع اعلام کرده و برای آن‌ها مجازات تعیین نموده است، جرایم اینترنتی را در زیرمجموعه جرایم تعزیری قرار داده است تا اینکه، هم از بی‌کیفر ماندن این جرایم جلوگیری شود و هم اینکه دستورات اسلام مبنی بر ممنوع بودن اعمال مذکور در قانون لحاظ شده باشد. (عطارزاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۵). با بررسی مفهوم هک و شیوه‌های انجام آن در وب سایت‌ها و دستگاه‌های رایانه‌ای و همچنین توجه به تعریف فقهی و حقوقی حرز، و اینکه تشخیص حرز متناسب برای هر مال از طرف شارع، به عرف و رویه جاری در هر جامعه محول شده است، هک را از مصادیق هتک حرز در فضای مجازی می‌توان به شمار آورد. این رفتار از طریق شکستن قفل نرم افزاری وب سایت‌ها و یا دستگاه‌های رایانه‌ای رخ می‌دهد و دلیل آن نیز قضاوت و نظر عرف، و رویه موجود در میان کاربران اینترنت و متخصصان حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات است. (رضوی اصل و مرادخانی، ۱۳۹۵: ۱۱۹)

۵-۲-۱ هتک حرز با استفاده از محجورین

یکی از گونه‌های هتک حرز که در منابع فقهی و نیز حقوقی مور توجه قرار گرفته، هتک حرز با استفاده از محجورین است. در دکترین حقوق کیفری عمومی، نهاد مباشرت معنوی اشاره به هنگامی دارد که فردی با استفاده از یک عامل فاقد مسئولیت کیفری همانند محجورین رکن مادی جرمی را مرتکب می‌شود، در حالی که رکن معنوی و نیز شرایط عمومی مسئولیت کیفری را به همراه دارد. بنابراین در اینجا ارتکاب جرم به وی و نه به آن عامل فاقد مسئولیت کیفری نسبت داده می‌شود.

۶-۲-۱ هتک حرز با استفاده از حیوانات

گونه دیگر از هتک حرز نیز که به ویژه در منابع فقهی دیده می‌شود، هتک حرز با استفاده از حیوانات است. در این حالت سارق با استفاده از حیوانات اموال موردنظر را از حرز خارج می‌کند. در این صورت نیز بی‌گمان هتک حرز و ربایش مال مستند به اوست و بدین ترتیب سرقت ارتكابی نیز در شمار سرقت‌های حدی جای می‌گیرد. این گونه از هتک حرز که در منابع فقهی مورد اشاره قرار گرفته است، با توجه به مقتضیات زمان در دوره‌های گذشته بوده است. در مقابل و در روزگار ما چندان که پیشتر نیز گفته شد، هتک حرز گاه با استفاده از فناوری‌های الکترونیک انجام می‌شود. بنابراین به طور کلی هتک حرز به صورت‌های گوناگونی انجام می‌شود و در هر مورد دادرسی کیفری باید دربابد که حرمت آن مکان جهت نگهداری اموال موردنظر بر اثر عمل هتک حرز نقض شده است.

۳- حرز و هتک حرز در فقه اسلامی

پس از مفهوم‌شناسی دانش-واژگان حرز و هتک حرز اینک لازم است به رویکردهای موجود در فقه اسلامی پیرامون آن دو پرداخته شود (ایزدی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۱). این مباحث بر پایه آموزه‌های هر یک از مذاهب پنجگانه سازمان می‌یابند. در آغاز باید خاطر نشان شود که علی‌رغم اختلاف در موضوع‌شناسی حرز، تمام فقها غیر از این ابی‌عقیلی‌عمانی، بر اعتبار محرز بودن اموال مسروقه در تحقق حد سرقت اتفاق نظر دارند. برخی از روایات بر بی‌اعتباری حرزیت اموال در سرقت مستوجب حد دلالت دارند. اما بسیاری از این روایات با روایات اعتبار حرز قابل جمع اند آن دسته که قابل جمع نیستند نیز در تعارض با روایات دال بر اعتبار حرز ساقط می‌شوند. زیرا شهرت فتوایی بر اعتبار حرز وجود دارد. دست کم با توجه به دلالت بسیاری از روایات بر اعتبار حرز اموال در تحقق سرقت مستوجب حدو به تبع آن حصول شبهه حکمی، مقتضای قاعده درأ اجرا نشدن حد بر سارق در موارد فقدان حرزیت اموال خواهد بود. (حسین‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۶). پیشتر قلمرو مفاهیم حرز و هتک حرز روشن شد. در نتیجه پس از مطالعه جلوه‌های این اختلاف، نظر مشهور این فقها بیان می‌شود. در اینجا باید خاطر نشان شود که فقها در بازگشت معنا و مفهوم حرز به عرف، اجماع و اتفاق نظر دارند؛ ولی در برداشت مفهوم حرز از عرف اختلاف نظر بسیار شدیدی با یکدیگر دارند. (حسین‌نژاد، ۱۳۹۲: ۲۲۵). بنابراین به طور کلی باید اشاره شود که در مذاهب خمس بر ویژگی عرفی بودن حرز اتفاق نظر وجود دارد و باور پیروان مکتب ظاهری و یا عمانی در این باره استثناء است. با این وجود در مصادیق این مفهوم و به عبارت بهتر در

مواردی که عرف بر حرز بودن مکانی دلالت می‌کند اختلاف نظر وجود دارد. در این باره می‌توان از دیدگاه قائلین به حرز شرعی همانند ابوصلاح حلبی، شیخ طوسی و قاضی ابن براج سخن گفت که ملاک تحقق حرز را بر اساس عرف، شرع می‌دانند. به عبارت دیگر به باور این افراد مراد از حرز جایی است که انسان بدون اذن صاحب آن مکان یا شخصی که آن مکان در تصرف اوست، حق ورود به آنجا را ندارد. دیدگاه دوم با نگرشی کارکردگرایانه حرز را عبارت از مکانی می‌داند که بنا به عواملی همانند دور از دسترس بودن، مغلق یا مقفل بودن و یا امکان مدفون بودن مال، اموال در آنجا از گزند مخاطراتی همانند سرقت در امان هستند (ولوی، ۱۳۹۷). سومین دیدگاه نیز حرز را مکانی بسته‌شده می‌داند که دخول و تصرف در آن برای غیرمالک بدون اذن وی جایز نباشد. در این باره اگر کسی از غیرحرز سرقت کند، دستش قطع نمی‌شود. مثل سرقت از صحرا، راه، اطاق آسیاب، حمام، مساجد و مانند آن از مواضعی که تردد در آن زیاد است. همچنین مکانی که اذن ورود به آنجا را دارد به شرطی که مالک مراقب مال خود نباشد. (لطفی، ۱۳۸۳: ۶۹۰). حرز عبارت از مکانی است که سارق به هر دلیل از حضور در آن احساس خطر کند. این احساس نیز می‌تواند به دلیل مراقبت همیشگی مالک یا دیگر ناظران از آن باشد. در دیدگاه پنجم نیز که در آراء برخی از فقها بازتاب یافته است، هر مکانی که اموال جای‌گرفته در آن از دستبرد دیگران در امان باشد، به عنوان حرز شناخته می‌شود. همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد، قانونگذار کیفری ایران در قانون مجازات اسلامی این ملاک را برای تحقق عنوان حرز در نظر گرفته است. یکی از مهم‌ترین مسائل مورد اختلاف درباره حرز این است که مانع باید حقیقی باشد یا آن که مانع اعتباری نیز برای تحقق نیز کفایت می‌کند؟ با مراجعه به کتب فقهی مشاهده می‌شود که مشهور فقها معتقدند که نوع مانع لزوماً یک مانع حقیقی و فیزیکی است. (قدرتی، ۱۳۹۵: ۱۷۳) این گزاره به خوبی نشان می‌دهد که مفهوم حرز و نیز مؤلفه‌های گوناگون هم‌پیوند با آن تا چه اندازه موضوع اختلاف است. درباره حرز و هتک حرز در فریقین باید خاطر نشان شود که فقها کوشیده‌اند تا مفاهیم پیش‌گفته را با بیان نمونه‌هایی برای پیروان خود روشن سازند. شاید به همین دلیل نیز در تعیین برخی از مصادیق به عنوان حرز و هتک حرز اختلاف نظر پیش آمده است. با این وجود باید به خاطر داشت که اهمیت حرز در قلمرو مفهوم سرقت تا بدانجاست که فقها قید محرز بودن اموال را در تعریف سرقت شرط دانسته‌اند. از آنجا که در سرقت گرفتن مال از دیگری باید به طور ناحق بوده باشد، لذا چاره‌ای نیست جز این که این قید نیز در تعریف سرقت اخذ شود. بدین ترتیب انتظار می‌رود که تبیین مفاهیم حرز و هتک حرز نیز در فقه اسلامی با اختلاف نظرانی همراه شود. در همینجا باید خاطر نشان شود که ملاک تحقق هتک حرز انجام اقداماتی است که آن

مکان را از قابلیت لازم برای نگاهداری از اموال خارج کند. این ملاک نیز در همه مذاهب وجود دارد. چرا که در صورت هتک حرز سارق می‌تواند به راحتی آن مال را از حیطة تملک مالک خارج ساخته و بنابراین آن مال دیگر در آن حرز قابل نگهداری نیست. در میان مذاهب عامه تنها مکتب ظاهری است که برای حکم به سرقت حدی وجود حرز را ضروری نمی‌داند. اما در آموزه‌های دیگر مذاهب عامه و از جمله مذاهب خمس این اندیشه وجود دارد که یکی از شرایط لازم برای تحقق سرقت حدی انجام هتک حرز توسط سارق مال است. بنابراین لازم است هر یک از مفاهیم حرز، هتک حرز و نیز وحدت هاتک و سارق محقق شده باشد تا بتوان به تحقق سرقت حدی حکم کرد. از چشم‌انداز تحلیل فقهی سرقت رایانه‌ای نیز باید یادآور شد که در فقه و قانون، سرقت از جمله جرایم حدی به شمار می‌آید که در صورت عدم اجتماع تمام شرایط، مجازات آن به تعزیر کاهش پیدا خواهد کرد. با توجه به اینکه سرقت، ربودن مال دیگری به طور پنهانی است، از این رو، ربودن داده‌های رایانه‌ای به طور مخفیانه سرقت رایانه‌ای می‌باشد. اما به دلیل حکومت قاعده درء، نمی‌توان مجازات قطع ید را برای سارق رایانه‌ای در نظر گرفت؛ هرچند داده‌ها به طور پنهانی ربوده شده باشند. اکثر فقهای معاصر نیز همین نظر را برگزیده‌اند. (وزیری و ارشادحسینی، ۱۳۹۶: ۵۷) با این وجود تردیدی در تحمیل مجازات تعزیری بر مرتکب سرقت داده‌های رایانه‌ای وجود ندارد.

۴- حرز و هتک حرز در حقوق کیفری ایران

پس از مطالعه جایگاه حرز و هتک آن در آموزه‌های فقه اسلامی، اینک لازم است تا رویکردهای حقوق کیفری ایران نیز نسبت بدان بررسی شود. از همین‌رو در ادامه، جایگاه این مفاهیم در قانون مجازات اسلامی و نیز پیامدهای آن مطالعه می‌شوند.

۱-۴ حرز و هتک آن در قانون مجازات اسلامی

ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی به بیان شرایط تحقق سرقت حدی پرداخته است. بند ت این ماده هتک حرز را به عنوان یکی از شرایط شانزده‌گانه بیان کرده است. بنابراین در صورتی که به باور دادرس کیفری، از یک سو مفهوم حرز و از سوی دیگر نیز مفهوم هتک آن تحقق نیافته باشد، سرقت مورد نظر از شمار سرقت‌های حدی خارج و برحسب چگونگی رخداد در شمار سرقت‌های تعزیری ساده یا مشدد قرار می‌گیرد. به‌طور کلی از چشم‌انداز حقوق کیفری نیز مسائل گوناگونی پیرامون حرز و هتک حرز مطرح می‌شود که گاه در میان دادگاه‌ها و یا حقوقدانان

کیفری ایجاد اختلاف می‌کند. برای نمونه، با پیدایش دنیای مجازی و جرم‌انگاری سرقت‌های مجازی این پرسش پدید می‌آید که آیا حرز و هتک حرز در این سرقت‌ها نیز همانند سرقت‌های ارتکاب‌یافته در دنیای حقیقی است یا این که باید متناسب با بایسته‌های این فضا ارزیابی شود.

۱-۱-۴ شرایط حرز در قانون مجازات اسلامی

تعریف حرز و شرایط تحقق آن در قانون مجازات اسلامی در مواد ۲۶۹ تا ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی تعیین شده است. مطالعه این شرایط می‌تواند میزان انطباق تعریف قانونی حرز را با تعریف فقهی آن مشخص کند. از همین‌رو در ادامه به تشریح شرایط گوناگون تحقق حرز از دیدگاه قانون مجازات اسلامی پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱-۴ متناسب بودن

در قانون مجازات اسلامی واژه حرز با پسوند متناسب همراه شده است. بر این پایه، هنگامی می‌توان مکانی را به عنوان حرز مال یا اموالی در نظر گرفت که با طبیعت آن مال متناسب بوده و بتواند بر پایه دلالت عرف، زمینه نگاهداری آن مال را از حوادث گوناگون و از جمله دستبرد حفظ کند که در بند آتی نیز بدین امر پرداخته خواهد شد. بدین ترتیب با توجه به تصریح قانون به ضرورت متناسب بودن حرز با مال موردنظر، در مواردی که مالی در مکانی نگاهداری شده اما آن مکان با توجه به قرائن و امارات به عنوان حرزی متناسب با مال شناخته نشود، نمی‌توان سرقت را حدی دانست. دادرسی کیفری در تشخیص متناسب بودن مکان نگاهداری با مال باید از نظر کارشناسان استفاده کند. چرا که در برخی از موارد به دلیل پیچیدگی‌های گوناگون در پرونده، تشخیص متناسب بودن آن مکان با طبیعت مال دشوار است.

۱-۱-۲-۴ محفوظ ماندن از دستبرد بر پایه عرف

دومین شرط قانونگذار درباره حرز که به گونه‌ای تبیین مفهوم متناسب بودن نیز است و در ماده ۲۶۹ دیده می‌شود، محفوظ ماندن از دستبرد بر پایه عرف نام دارد. در واقع، حرز متناسب باید به گونه‌ای باشد که عرفاً اموال جای‌گرفته در آن از دستبرد مصون بمانند. تشخیص این شرط نیز به عنوان یکی مسایل ماهوی پرونده کیفری با دادرسی است. با ملاحظه پیشینه تقنینی این ماده در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مشاهده می‌شود که ذکر شرط عرفی بودن محفوظ ماندن مال از دستبرد در آن قانون سابقه نداشته و بدین ترتیب در ق.م.ا. ۱۳۹۲ بیان شده است. البته در این

ماده، این ایراد بر مقنن وارد است که شرط ایجابی برای کاربرد حرز را تنها به محفوظ ماندن از دستبرد آن هم بر پایه عرف منحصر کرده و به محفوظ ماندن از مخاطرات دیگری همانند تضييع و تفریط اشاره نکرده است. افزون بر این استفاده از واژه دستبرد نیز شاید برای پرهیز از اختلاط آن با سرقت و رعایت جدایی شرط و مشروط بوده است. اما مناسب بود تا قانونگذار به جای دستبرد از همان واژه سرقت استفاده می‌کرد. بدین ترتیب دیده می‌شود که قانونگذار کیفری ایران در ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی بر جنبه کارکردی حرز در قلمرو شرایط ارتکاب سرقت حدی تأکید داشته است. اما این رویکرد به دلیل محدود نمودن موارد تحقق سرقت حدی می‌تواند منجر به کاهش امکان حکم به مجازات‌های حدی و افزایش موارد حکم به ارتکاب مجازات تعزیری شود.

۱-۴-۲ شرایط هتک حرز در قانون مجازات اسلامی

همانند مفهوم حرز، در قانون مجازات اسلامی برای هتک حرز هم شرایطی مقرر شده است. بنابراین در این بند شرایط پیش‌گفته به گونه‌ای فشرده بررسی می‌شوند.

۱-۲-۱-۴ نقض غیرمجاز حرز

نخستین شرط برای هتک و به تعبیر قانونگذار کیفری ایران نقض حرز، غیرمجاز بودن است. در واقع، هنگامی که نقض حرز بر پایه قوانین و نظامات مجاز باشد، حتی اگر در همان لحظه مال به سرقت رود، دیگر هتک حرز و در نتیجه سرقت حدی محقق نخواهد شد. در این باره به نظر می‌رسد که با توجه به پیشینه فقهی و تقنینی، ضرورتی به استفاده از پسوند غیرمجاز برای نقض وجود نداشته و این پسوند در این ماده حشو است. چرا که با عبارت هتک حرز، غیرمجاز بودن آن به ذهن متبادر می‌شود. قانونگذار کیفری ایران در ماده ۲۷۱ ق.م.ا.مصادیقی را برای نقض غیرمجاز حرز بیان کرده است که البته با توجه به بیان عبارت "و امثال آن" تمثیلی هستند.

۱-۲-۲-۴ هتک مخفیانه حرز

بی‌گمان برای آن که بتوان شرط هتک حرز را برای حکم به سرقت حدی محقق دانست، لازم است که هتک حرز توسط سارق صورت گرفته و سپس خود نیز اقدام به خارج نمودن مال کند. در غیر این صورت امکان محکوم نمودن او به سرقت حدی وجود ندارد. با توجه به بندهای پ و ث ماده ۲۸۶ ق.م.ا. باید پذیرفت که هتک حرز انجام‌شده از سوی سارق بدین ترتیب باید لزوماً

مخفیانه باشد. وگرنه انجام آن به صورت علنی و آشکار امکان تحقق سرقت حدی را از میان می‌برد. در فقه اسلامی نیز رباینده علنی مال که با عناوینی چون مختلس یا مستلب مورد اشاره قرار گرفته است، هاتک حرز شناخته نشده و به همین دلیل به تحمل تعزیر محکوم می‌شود. در اینجا باید خاطرنشان شود که آنچه جوهر و ماهیت سرقت حدی را تشکیل می‌دهد، عنصر ربایش مخفیانه است نه عنصر هتک حرز. هر چند وقتی فرد به طور مخفیانه هتک حرز می‌کند، جرم خود را بسیار تشدید ساخته است. لیکن وقتی عنصر مخفیانه بودن منتفی می‌شود جرم مورد نظر به طور کامل قلب ماهیت داده به جرم دیگری (غصب یا استلاب) تبدیل می‌شود. (آقایی میبدی و غلامی، ۱۳۹۹:۳۴) پیشتر نیز بدین پیامد در هنگام عدم تحقق هتک مخفیانه حرز اشاره شد.

۲-۴ پیامدهای کیفی احراز حرز و هتک آن

به‌طور کلی در دکترین فقه اسلامی و به ویژه کیفرشناسی اسلامی، مجازات‌های حدی به دلیل تعیین از سوی شارع مقدس و اهمیت حقوق آماج خود، شدیدتر از مجازات‌های تعزیری هستند که از سوی حاکم اسلامی و یا به گفته ماده ۱۸ ق.م.ا از سوی حکومت و در قبال تخطی از موازین حکومتی وضع می‌شوند. بدین ترتیب مهم‌ترین پیامد کیفی ناشی از احراز و یا عدم احراز هتک یا حرز آن از سوی دادرس کیفی تحمیل و یا عدم تحمیل مجازات‌های شدید و به ویژه حبس ابد یا اعدام است. در واقع، این دو مجازات سالب آزادی و حیات تنها در سرقت‌های حدی مورد حکم واقع می‌شوند و هیچ‌یک از گونه‌های سرقت تعزیری چنین پیامدی را به همراه ندارد. در آموزه‌های اسلامی نیز مقرر شده است که بدین ترتیب هر کس مرتکب گناهی شود که حد شرعی ندارد، تعزیر می‌شود. مثل این که سارقی مالی را که به حد نصاب می‌رسد، از خارج حرز سرقت کند. (طوسی، ۱۳۷۸، ج ۸:۶۹) بدین ترتیب روشن است که احراز وجود مؤلفه حرز در یک پرونده سرقت تا چه اندازه اهمیت دارد و سبب می‌شود که ضمانت‌اجراهای سنگین کیفی بر مرتکب تحمیل شود. در این باره باید خاطرنشان شود که همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد در میان فقها اختلاف نظراتی پیرامون حرز و هتک آن وجود ندارد. با این وجود بر پایه اصل قانونی بودن مجازات‌ها و نیز پذیرش عرف به عنوان یک منبع فرعی حقوق کیفی و استفاده از آن در هنگام تعیین مصادیق مفاهیمی همانند حرز و هتک حرز، دادرس کیفی می‌تواند با ارزیابی گونه‌های عرف عام و نیز عرف خاص، وجود یا عدم حرز و هتک حرز را احراز و بر پایه آن، مرتکب را به مجازات‌های مقرر برای سرقت‌های حدی و یا تعزیری محکوم کند.

نتیجه‌گیری

پاسداری از حق بر مالکیت در سازه‌های گوناگون فقهی، حقوقی و نیز کیفری دیده می‌شود. در این میان، جرم‌انگاری سرقت به عنوان یکی از جرایم طبیعی و پیش‌بینی مجازات‌های حدی شدید و حتی اعدام در مرتبه چهارم نشان می‌دهد که این ارزش اهمیت بسیاری برای شارع مقدس دارد. به همین ترتیب برای ارتکاب سرقت حدی و در نتیجه تحمیل مجازات‌های شدید پیش‌گفته بر مرتکب لازم است که شرایط گوناگون محقق شود. قرار داشتن مال مسروقه در حرز و هتک حرز و سپس اخراج مال از حرز یکی از شرایط مهمی است که به اثرگذاری عوامل گوناگون تعیین آن چندان ساده نیست. دلیل این امر نیز اختلاف نظر آشکار در دکترین فقهی و حقوقی در این باره بوده است. با وجود اهمیت آشکار تعیین دقیق هر یک از مفاهیم حرز و نیز هتک حرز در آموزه‌های فقهی و نیز حقوق کیفری عرفی، به روشنی دیده می‌شود که این امر چندان تحقق نیافته است. بلکه بیشتر فقها و شماری از حقوقدانان به بیان نمونه‌هایی در این باره بسنده کرده و به جای کوشش در راه تحدید دقیق مفاهیم حرز و هتک آن به تکرار نمونه‌های بیشتر گفته‌شده و یا مجادله پیرامون آن پرداخته‌اند. از همین رو ضرورت تعیین قلمرو این دو مفهوم بر پایه آموزه‌های فقهی و نیز حقوقی به خوبی مطرح است. این پژوهش دریافته است که رویکرد اصلی در مذاهب خمس و نیز حقوق کیفری ایران پیرامون مفاهیم حرز و نیز هتک حرز، توجه به عرف است. در واقع، از آنجا که در بسیاری از نمونه‌های گفته‌شده از سوی فقهای متقدم تا به امروز نمی‌توان ملاک ثابت و قانع‌کننده‌ای را پیرامون این مفاهیم به دست آورد، بنابراین لازم است که تا آنجا که امکان دارد به دلالت‌های عرفی در این باره توجه کرد که طبیعتاً بسته به هر یک از پرونده‌ها و موارد مطروحه و از جمله نوع اموال نیز متفاوت است. البته به نظر می‌رسد که ملاک عرفی بودن حرز نیز مقید به ملاک کارکردگرایانه دیگری به نام دارا بودن قابلیت نگاهداری از مال شده است. اهمیت این گزاره در اینجاست که گاه مکانی عرفاً برای مالی حرز به شمار می‌آید، اما دارای قابلیت پیش‌گفته نیست. قانونگذار کیفری ایران نیز اگرچه به ارائه تعریفی از حرز مبادرت ورزیده است، اما در زمینه هتک حرز همانند رویکرد فقهی به بیان نمونه‌هایی اکتفا کرده است. بنابراین لازم است که در دکترین حقوق کیفری پیرامون آشکار نمودن هر چه بیشتر قلمرو مفهوم حرز و هتک آن کوشش شود. به طور کلی باید خاطر نشان شود که با وجود اختلافات موجود در زمینه تعیین مصادیق حرز و هتک آن، ضرورت وجود حرز در آرا اکثریت قریب به اتفاق فقها بازتاب یافته است. البته اختلاف پیش‌گفته بیشتر ناظر به حرز است. وگرنه پیرامون مفهوم هتک حرز اختلاف چندان دیده نمی‌شود. هر چند که فقها همانند حرز، هتک

حز را نیز با استفاده از بیان نمونه‌های عملی تشریح کرده‌اند. بنابراین حرز هر شیئی براساس لیاقت و صلاحیت آن شیئی می‌باشد. در بحث فقه و حقوق اسلامی نقش حرز در سرقت مستوجب حد بسیار مهم است. زیرا از جمله شروط لازم برای اجرای حد، هتک حرز می‌باشد و تحقق سرقت منوط به بیرون آوردن مال از حرز است. همچنین قانون مجازات اسلامی تمامی شرایط سرقت مستوجب حد را به طور یکجا طی شانزده بند و چهار تبصره در ماده ۱۹۸ ذکر کرده است، سرقت حدی نیز همانند سایر جرایم باید واجد یکسری عناصر مادی باشد و از جمله آن عناصر قرار داشتن مال در حرز متناسب غیر مغضوب از سارق و دولتی و وقفی نبودن آن است و اینکه هتک حرز به توسط سارق صورت گیرد. به عبارت دیگر در سرقت حدی قطع دست اجرا نمی‌شود، مگر اینکه مال مسروقه از حرز خارج شده باشد.

منابع

- آقایی‌نیا، ح، چلبی، آ. (۱۳۸۸)، جایگاه سرقت در حوزه مفهومی مالکیت: بررسی تطبیقی مفهوم سرقت در چهار نظام حقوقی (انگلستان امریکا فلوریدا کانادا و ایران، مجله مطالعات حقوق خصوصی، سال سی و نهم، شماره ۲
- آقایی‌میبدی، ح، غلامی، ع. (۱۳۹۹)، بررسی ملاک‌های تعیین شدت سرقت‌های تعزیری بر اساس الگوی سرقت حدی (تحلیل فقهی ماده ۲۷۶ قانون مجازات اسلامی)، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۲۱
- ایزدی‌فرد، ع، قلی‌پور، ح، فقیه حبیبی، ع، حسین نژاد، س. (۱۳۹۴)، تأملی در حکم فقهی سرقت از اموال مشارکتی، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۲
- ایزدی‌فرد، ع، حسین نژاد، س، (۱۳۹۵)، حرز بودن "نظارت مالک" در تحقق مفهوم سرقت، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و نهم، شماره ۲
- برهانی، م، پارساییان، ع. (۱۳۹۲)، عرف و مؤلفه‌های قانونی و مادی تشکیل دهنده پدیده مجرمانه، مجله حقوق اسلامی، شماره ۳۶
- حسین نژاد، س، عابدی فیروزجایی، ح، یداله‌پور منصور، م. (۱۳۹۵)، تعارض میان روایات حرز اموال در سرقت مستوجب حد، مجله فقه اهل بیت، شماره ۸۷
- حسین نژاد، س. (۱۳۹۲)، بررسی فقهی موضوع شناسی حرز در سرقت از دیدگاه فقهای امامیه، مجله فقه اهل بیت، شماره ۷۵ و ۷۶

- رضوی اصل، س، مرادخانی، ا. (۱۳۹۴)، بررسی مفهوم هتک حرز در سرقت‌های اینترنتی، مجله فقه، سال بیست و دوم شماره ۳
- شکری، ر. (۱۳۹۵)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، نشر مهاجر، چاپ اول، تهران طوسی، م. (۱۳۷۸)، المبسوط فی فقه الإمامیه، المكتوبه المرتضویه الاحیاء الآثار الجعفریه، چاپ سوم، تهران
- عطازاده، س، قیوم زاده، م، انصاری، ج. (۱۳۹۷)، بررسی میزان انطباق‌پذیری جرایم اینترنتی با حقوق اسلامی (مطالعه موردی سرقت و کلاهبرداری)، مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۱۸
- عمید، ج. (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی عمید، جلد ۱، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، تهران قدرتی، ف. (۱۳۹۵)، ملاک تحقق سرقت از حرز و موارد مشابه آن در فقه امامیه و حقوق موضوعه، مجله مطالعات فقه امامیه، شماره ۷
- کلانتری درونکلا، ک، کلانتری، ح. (۱۳۹۰)، تحلیل حقوقی - فقهی جرم انگاری شروع به سرقت، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۵
- لطفی، ا. (۱۳۸۳)، ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه، انتشارت مجمع علمی-فرهنگی مجد، چاپ اول، تهران
- میرمحمدصادقی، ح. (۱۳۹۳)، جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ چهل و دوم، تهران
- وزیری، م، ارشاد حسینی، ح. (۱۳۹۶)، بررسی احکام فقهی و حقوقی سرقت رایانه‌ای، مجله معرفت، شماره ۲۳۳
- ولوی، س، آقایی بجستانی، م، روحانی مقدم، م. (۱۳۹۷)، جستاری در مصادیق نوین حرز و ثبوت حد در سرقت الکترونیکی از منظر فقه و حقوق، مجله جستارهای فقهی و اصولی، سال چهارم، شماره ۱۱